

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

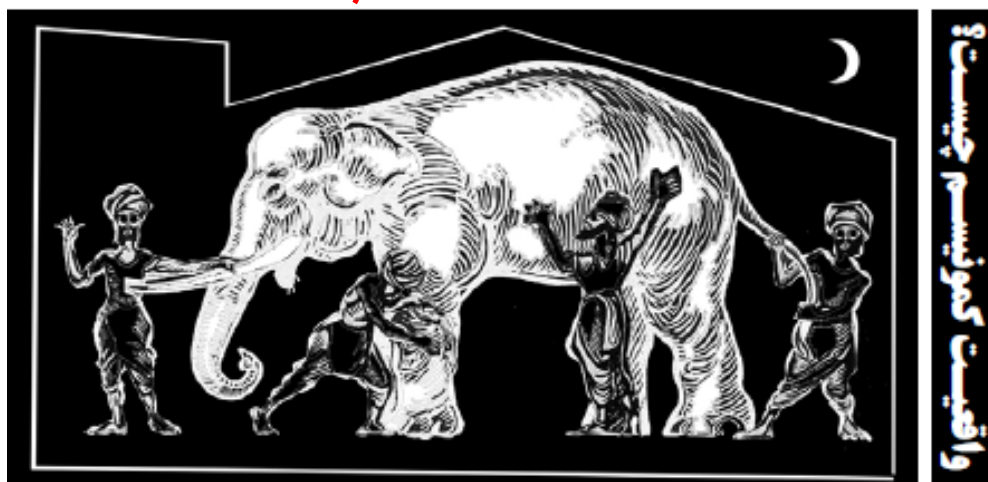
Ideological

مسایل ایدئولوژیک

فرستنده: عثمان حیدری

۱۴ دسمبر ۲۰۱۴

واقعیت کمونیسم چیست؟ عجز در درک انقلاب چین



با نگاه به مصاحبه نشریه صدا با محسن حکیمی

هفته نامه «صدا» که چند ماهی است شروع به کار کرده همانطور که انتظار می‌رفت (و به سیاق هر آن چه محمد قوچانی در انتشارش دست دارد) مقابله با کمونیسم را یکی از اهداف خود قرار داده است. در شماره چهارم «صدا» که در تاریخ ۱۵ شهریور [سنبله] ۹۳ منتشر شده به مصاحبه‌ای با محسن حکیمی در باره مائوتسه دون و مائوئیسم در ایران بر می‌خوریم که بسیاری از سایت‌های خبری و سیاسی اپوزیسیون نیز آن را بازتکثیر کرده‌اند. ویژگی ایده سازان ضد کمونیست نئولیبرالی مثل قوچانی این است که به تبلیغات نفس بریده‌ای نظیر «ستالین شکنجه گر بود» و «مائوتسه دون معتادان را به دریا می‌انداخت» قناعت نمی‌کنند و می‌کوشند به سرمایه‌داری هاری که مدافعش هستند قبای روشنفکری بپوشانند. در این راه همیشه افرادی منتسب به «چپ» (یا چپی سابق) هستند که زیر بغل‌شان را بگیرند. انتخاب مائوتسه دون و مائوئیسم در این روزها شاید به این دلیل است که در برخی محافل روشنفکری دگراندیش، انقلاب چین و نقش مائو به موضوع بحث و جدل تبدیل شده. «صدا» نیز مناسب دیده به شیوه خود در این بحث شرکت کند و به عنوان صدائی در این محافل مطرح شود. می‌دانیم که در دهه‌های گذشته حزب توده و گرایش‌های گوناگون مرتبط با تجدیدنظر طلبان شوروی کارزار سانسور مطلق و یا تحریف مطلق را در مورد مائو و انقلاب چین به پیش بردند و کوشیدند جامعه روشنفکری کشور و حتی بسیاری از گروه‌های مبارز را از دستیابی به شناخت صحیح و عمیق از نظر و عمل

مائو دور ننگه دارند. این که در دوران کنونی مسأله انقلاب چین دوباره در محافل آکادمیک و رسانه‌ها مطرح می‌شود بدون شک به سنگین شدن وزنه چین سرمایه‌داری امروز در ترازوی معادلات جهانی و نفوذ اقتصادی این کشور در ایران ربط دارد. صرف باز شدن این بحث، علی رغم حملات و تحریف‌های ضدکمونیستی که حولش جریان دارد، امکانی را در اختیار ما می‌گذارد تا گوش‌های آماده شنیدن و نگاه‌های حساس را به سوی واقعیت کمونیسم و کنار زدن دروغ‌ها و کج فهمی‌ها از روی تجربه سوسیالیسم در چین برگردانیم.

در این نوشته قصد پرداختن به همه مسائلی را که حکیمی در مصاحبه‌اش به آن نوک زده نداریم. فقط می‌خواهیم اشاره کنیم به چند نکته‌ای که در مورد انقلاب فرهنگی چین گفته است. حکیمی مائو را به اراده گرایی متهم می‌کند و می‌گوید او «از انگیزه‌های اخلاقی و فرهنگی برای پیشبرد اهداف سیاسی استفاده می‌کرد» و با «حربه انقلاب فرهنگی مخالفان خود... را از صحنه سیاست حذف کرد» و «در پوشش مبارزه فرهنگی با افکار بورژوازی مخالفان سیاسی خود را به همان شیوه ستالین سرکوب کرد». این که کدام یک از این اتهامات دروغی آگاهانه است و کدام یک نتیجه نادانی و یا کج فهمی مسأله ما نیست. قصد ما روشن کردن و به نمایش گذاشتن واقعیت است.

وقتی که چین دست به کار ساختمان سوسیالیسم شد، مائو متوجه تفاوت‌های عظیم جامعه چین با شوروی شد و در پی یافتن راه‌هایی بر آمد که به جای تکیه بیش از حد بر صنعت و شهرها (یعنی مدل شوروی) توده‌های وسیع مردم را در ساختمان سوسیالیسم (و دخالت در سرنوشتشان) درگیر کند. هدف او خلاف آن چه حکیمی ادعا می‌کند نه صنعتی کردن جامعه به عنوان هدف غائی بلکه تغییر زیربنا (روابط تولیدی)، از بین بردن تفاوت‌های طبقاتی و انقلابی کردن ایده‌ها بود. با قدرت گیری بورژوازی در شوروی (متعاقب مرگ ستالین و به خصوص با کنگره ۲۰ حزب شوروی) مائو بیش از پیش به خطراتی که بر سر راه سوسیالیسم کمین کرده، واقف شد. او می‌دید که در حزب کمونیست چین هم دیدگاه تعداد نه چندان کم شماری از اعضای حزب به خصوص در سطوح رهبری، به قول مارکس از «افق حق بورژوائی» فراتر نمی‌رود. افرادی مثل لیوشائو چی و دن سیائو پینگ که می‌خواستند چین را تبدیل به کشوری قدرتمند کنند چهره‌های برجسته این گرایش بودند. قدرتمند شدن در چارچوب جهان سرمایه‌داری؛ یعنی همین کابوسی که امروز کارگران و زحمتکشان چین را به اسارت در آورده است. مائو می‌دانست که اگر چین از این مسیر کنده نشود، بورژوازی نواخته قدرت را به دست خواهد گرفت. گسست لازم بود و این گسست در گام اول با تکیه بر جوانان چین که آماده مقابله با کهنه و کهنه پرستی بودند میسر شد. (در آتش شماره ۲۰ در این مورد بیشتر گفته ایم).

انقلاب فرهنگی مسلماً مبارزه‌ای بر سر قدرت بود؛ ولی نه با هدف قدرت شخصی. بلکه مبارزه برای قدرت پرولتاریا و سرنگونی عوامل بورژوائی در دولت سوسیالیستی و حزب کمونیست. البته کسانی که از مبارزه سیاسی فقط توطئه‌گری‌های سران قدرت در حکومت‌های سرمایه‌داری (یا فئودالی) را می‌فهمند و تمایلات و خصوصیات و منافع شخصی را بالاتر از امر طبقاتی می‌گذارند نمی‌توانند اهمیت مبارزه مائو برای حفظ قدرت پرولتاریا را درک کنند. این مبارزه نه تنها در محتوا حتی در فرم هم متفاوت از رقابت‌ها و تسویه حساب‌های درون قدرت‌های بورژوائی بود. در ابتداء دانشجویان به مبارزه می‌آمدند علیه استادان زورگو و عقب مانده؛ دانش آموزان علیه اجحافات و نظام سرکوبگر تحصیلی که از قبل به جا مانده بود می‌شوریدند؛ دختران برای آزادی، کارگران برای مدیریت جمعی، دهقانان برای تحصیل رایگان و دفاع از کمون‌های روستایی به پا می‌خاستند. در جلسات بحث از بردن نام دولتمردان (افراد بالای حزب) حذر می‌شد. هدف این بود که مردم یاد بگیرند به محتوای گفته‌ها توجه کنند، راه سوسیالیستی و راه سرمایه‌داری را از میان گفته‌ها (و گاهی به شکل غیر مستقیم) تشخیص دهند. هر چند که هر کس در محیط خود می‌کوشید سرکوبگران را تشخیص دهد و با آنان مبارزه کند. بخش عمده رهبران و کادرهای حزب که راه سرمایه‌داری در پیش گرفته بودند نه به زندان افتادند و نه اعدام شدند؛ مورد انتقاد علنی قرار گرفتند؛ از مقامات دولتی یا حزبی کنار گذاشته

شدند. گروهی نیز بر حسب اقدامات عملی و یا طرح‌هایی که در شرف اجراء داشتند به حبس خانگی یا زندان محکوم شدند. در واقع هیچ یک از رهبران حزب که مسیر سرمایه‌داری را برگزیده بودند و در مقابل پیشروی سوسیالیسم و شرکت بیش از پیش مردم در قدرت مقاومت می‌کردند، اعدام نشدند. مائو می‌دانست که مسأله از بین بردن خاکی است که این علف‌های هرز در آن می‌رویند؛ که از بین بردن فزینی این افراد ممکن است در میان مردم ساده انگاری و توهم رفع خطر را ایجاد کند. در این جور موارد آنقدر کارنامه مائو روشن است که حتی حکیمی هم مجبور شده در مورد سقوط هواپیمای لین پیائو و کشته شدن او، با اما و اگر بگوید «گفته می‌شود» مائو او را کشته است!

البته انقلاب فرهنگی بدون اشتباه پیش نرفت. انقلاب فرهنگی یک انقلاب بود. مردم به میدان آمده بودند و اینجا و آنجا مقامات دولتی و حزبی که از نظرشان خطاکار یا ستمگر بودند را تحقیر و توبیخ می‌کردند و حتی آماج حملات فزینی قرار می‌دادند. انقلاب فرهنگی نه یک سمفونی از پیش تمرین شده به رهبری مائو بود و نه کسی با کنترل از راه دور تک تک مردم را به حرکت در می‌آورد. جوانان جو گیر می‌شدند و گاه تر و خشک با هم می‌سوخت. گاهی دسته‌های مختلف گارد سرخ در مقابل هم قرار می‌گرفتند. مائو، خود در مصاحبه با ادگار اسنو (نویسنده آمریکایی و از دوستداران انقلاب چین) از این که جوانان گهگاه به جای مبارزه با سرمایه‌داری و دشمنان واقعی انقلاب به مقابله با یک دیگر می‌پرداختند اظهار ناراحتی کرده بود. او در گفت و گو با فعالان حزب، مشخصاً با کلاه بوقی گذاشتن بر سر عناصری که متهم به در پیش گرفتن راه سرمایه‌داری شده بودند مخالف کرده گفته بود اینگونه تحقیر کردن‌ها (که یکی از شیوه‌های قدیمی تنبیه دهقانی در چین بود) به کینه ورزی دامن می‌زند و راه تصحیح و متحول شدن افرادی که دچار انحراف شده‌اند را هم می‌بندد. در حالی که تصحیح و تحول یکی از اهداف انقلاب فرهنگی است.

سخن کوتاه. خلاف تصور ساده انگارانه «چپ»‌هایی که فکر می‌کنند پیروزی انقلاب و کسب قدرت سیاسی نقش چوب جادویی را دارد که یک شبه انسان‌ها را تبدیل به فرشته و کشور را تبدیل به بهشت برین می‌کند، مائو تسه دون این واقعیت را خوب دریافته بود و تجربه انقلاب سوسیالیستی در چین نیز آن را یک بار دیگر به نمایش گذاشت که کسب قدرت تنها اولین قدم است در مسیری که هر آن می‌تواند به سوی سرمایه‌داری باز گردد. با مبارزه نرم و هموار نیز نمی‌شود پدیده‌های نو (روابط و نهادهای نوین) را شکل داد و راه بازتولید سرمایه‌داری را سد کرد. برای این کارها باید مرتباً گسست کرد و انقلاب را ادامه داد. تنها بر بستر شورش و انقلاب برای حل تضادهای حل نشده و نخواست‌هاست که خلاقیت و اعتماد به نفس توده‌های تحت ستم به حداکثر شکوفا می‌شود و اگر تحت رهبری صحیح قرار بگیرد معجزه می‌آفریند. انقلاب فرهنگی در چین (از ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۶) یک نمونه برجسته و درس آموز از چنین حرکتی است. خلاف گفته حکیمی، انقلاب فرهنگی «اراده گرایانه» نبود چرا که با اتکاء به تضادهای واقعی جامعه (از جمله تداوم ستم بر زن، شکل‌گیری بوروکراسی و اقتدار بورژوازی در نهادهای حزبی و دولتی، تمایزهای طبقاتی و اجتماعی و وجود حق بورژوازی) انجام شد و نیاز بخش بزرگی از جامعه به گسست از همه این‌ها را بازتاب داد. اگر عزم مائو و انقلابیون کمونیست همراهش برای پیشبرد امر کمونیسم در دنیای سرمایه‌داری امپریالیستی بیان «اراده گرایی» بود، باید به صراحت گفت که امروز نیز انجام انقلاب اجتماعی و پیشروی در مسیر رهائی نوع بشر از چنگال نظام طبقاتی و ستم هایش نیاز میرم به «اراده گرایی» دارد.

«آتش»